



بررسی رویکرد شیخ صدوق در تالیف اثر پرآوازه «من لایحضره الفقیه»

علما بلند آوازه‌ترین و مهم‌ترین اثر شیخ صدوق را کتاب «من لایحضره الفقیه» می‌دانند که مرحوم شیخ صدوق با این هدف اقدام به نوشتن این اثر می‌کند که حلال و حرام و شرایع و احکام را بیان کند و وقتی به دست کسی رسید، اگر به فقیهی دسترسی نداشت، این کتاب او را کفایت کند.

علما بلند آوازه‌ترین و مهم‌ترین اثر شیخ صدوق را کتاب «من لایحضره الفقیه» می‌دانند که مرحوم شیخ صدوق با این هدف اقدام به نوشتن این اثر می‌کند که حلال و حرام و شرایع و احکام را بیان کند و وقتی به دست کسی رسید، اگر به فقیهی دسترسی نداشت، این کتاب او را کفایت کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی جلائیان اکبرنیا، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان مطالبی در خصوص چگونگی و انگیزه تالیف کتاب «من لایحضره الفقیه»؛ تالیف شیخ صدوق پرداخت.

وی در این‌باره گفت: در ابتدا باید نکته‌ای را در باب کتب اربعه بگوییم و آن این‌که کتب اربعه از لحاظ انتساب به مولفانشان قطعی است و هیچ جای تردیدی در نسبت این کتاب‌ها به مولفین آنها وجود ندارد. درباره این‌که انگیزه مشترک تالیف این آثار چه بوده است، باید بگوییم مولفان این چهار کتاب به انگیزه یک دست کردن احادیث و بازشناسی سره از ناسره و در پی اهداف بلند و مکتب‌گرایانه آن‌ها اقدام به تدوین این کتاب‌ها کرده‌اند.

جلائیان افزود: از میان این مولفین، مرحوم شیخ صدوق است که انسان بسیار خوش‌ذهن و دارای نبوغ بوده است که کتاب من لایحضره الفقیه را تالیف کرده است؛ ایشان از ابتدای قرن چهارم که مصادف با آغاز رشد و نمو ایشان است تا سال 381 حدود هفتاد و اندی سال عمر می‌کند و عمر بسیار با برکتی هم دارد و یک نظم بسیار خوبی نیز در میان تالیفاتش وجود دارد.

این مدرس دانشگاه گفت: کتاب‌هایی که به مرحوم شیخ صدوق نسبت داده‌اند، بیش از 231 کتاب است، اما جالب است که بدانیم اکثر این کتاب‌ها موضوع خاص دارد؛ به عنوان مثال احادیث امام رضا(ع) را در یک کتاب با عنوان «من لایحضره الفقیه»؛ جمع کرده است و روایاتی که به علل احکام می‌پردازند، در یک جا تحت عنوان «من لایحضره الفقیه»؛ جمع کرده است و در بسیاری از کتاب‌های ایشان، احادیث موضوع‌بندی شده است.

وی افزود: یک شخصیتی از مولف هم که کتاب «من لایحضره الفقیه»؛ گویای آن است، چهره فقیهی ایشان است، ولی جالب آن‌که هیچ‌کدام از کتب فقهی «من لایحضره الفقیه»؛ به ما نرسیده است. درباره اصل کتاب «من لایحضره الفقیه»؛ اگر بخواهیم نکاتی را بگوییم، علما قائل هستند که بلندآوازه‌ترین و مهم‌ترین کتاب شیخ صدوق، همین کتاب است، اما چرا مرحوم شیخ صدوق اقدام به نوشتن این کتاب می‌کند، درحالی که ایشان خدمت حدیث بوده و احادیث را جمع‌آوری می‌کرده و کار فقهی فراوان داشته است.

این پژوهشگر قرآنی اضافه کرد: در یکی از سفرهایی که ایشان به بلخ می‌روند، یکی از سادات بزرگوار و علویان صاحب نام را می‌بینند و با ایشان بسیار ارتباط تنگاتنگی از لحاظ روحی و علمی پیدا می‌کنند. بعضی گفته‌اند که شیخ صدوق از این سید، حدیث هم نقل کرده است. این بزرگوار که شخصیت علمی و تسلط شیخ صدوق را می‌بیند، به ذهنش خطور می‌کند که شیخ می‌تواند نظرات علمی خودش را در قالب یک کتاب ارائه کند که هرکس نیاز به یک نظر فقهی دارد، دیگر نیاز به رفتن به در خانه یک فقیه را نداشته باشد.

انگیزه تالیف من لایحضره الفقیه

جلائیان در ادامه گفت: این فکر شاید هم از همین‌جا به ذهن این سید بزرگوار می‌رسد و به شیخ صدوق می‌گوید کتابی را با عنوان «من لایحضره الفقیه»؛ دیدم. این کتاب برای کسانی که بخواهند مسائل طبی را بدانند و اطلاعی از این مسائل پیدا کنند و دسترسی به طبیب نداشته باشند، مفید فایده است و کاری که محمد بن زکریای رازی کرده است، می‌تواند برای آنها کافی باشد و در رشته خودش کتابی است که افراد را بی‌نیاز کرده است.

احادیث مرسلی را که صدوق آورده است، باید به مسند بودنشان مطمئن شویم و در صدور آنها تردیدی نکنیم مگر مواردی را که خود مولف تصریح می کند

وی ادامه داد: سید به شیخ صدوق می گوید که چقدر خوب است که شما هم در فقه کتابی بنویسید که حلال و حرام و شرایع و احکام را بیان کند و وقتی به دست کسی رسید، اگر به فقهی دسترسی نداشت، این کتاب او را کفایت کند. این گفت و گو زمینه ای می شود که شیخ صدوق با آن توان فقهی که دارد، اقدام به این کار کند و نام کتاب را هم آن گونه که خود ایشان در مقدمه فرموده است، «من لایحضره الفقیه« بنامد، هرچند برخی این کتاب را به نام «فقیه من لایحضره الفقیه« نام برده اند، ولی ظاهراً همان عنوان «من لایحضره الفقیه« صحیح باشد.

وی در ادامه بیان کرد: نسبت به این سید بزرگواری که از «شیخ صدوق« چنین تقاضایی می کند، جز نام ایشان، اطلاعات بیشتری نداریم. ولی مشخص است که از دانشمندان بوده و ارتباط تنگاتنگی هم با شیخ صدوق داشته است. شیخ چون این کتاب را به عنوان یک کتاب فتوا می نویسد، تلاشش این است که روایاتی را که به نظر خودش صحیح است، جمع آوری کند.

روش کار شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه

وی ادامه داد: شیخ صدوق این کتاب را در چهار جلد فراهم می کند. کل این چهار جلد 666 باب دارد و از 6000 حدیث دو حدیث کم دارد؛ یعنی 5998 حدیث دارد که جمعاً می گوئیم 6000 حدیث در 666 باب. این احادیث را ایشان با شیوه خاصی از لحاظ نگارش سند ارائه می کند و آن این است که چون می خواسته نظر فقهی خود را بیان کند، احادیث را در متن کتاب، ابتدا بدون سند ذکر می کند و برای کسانی که بخواهند سند روایت را دنبال کنند، در پایان کتاب راهی را برای رسیدن به هر یک از سندها ارائه می کند که آن بخش آخر را مشیخه می گویند.

جلائیان در ادامه ابراز کرد: اگرچه شیخ صدوق در ادامه نگارش کتاب، کم کم به ذکر سند هم اقدام می کند و گاهی علاوه بر نام امام، به نام برخی از راویان نیز اشاره می کند، با این حال، این کتب در نگاه عالمان جایگاه بسیار بالایی را دارد و حتی برخی می گویند اگر شیخ صدوق روایات را هم مرسل ذکر کرده باشد، ارسال سند او دارای ارزش والایی است، به گونه ای که روایات مرسل او هم حکم روایاتی را دارد که سنددار هستند.

جلائیان با اشاره به تعریف علامه حلی از این کتاب افزود: به قول علامه حلی، «لایرسل الا عن ثقة« او مرسل نمی آورد، مگر از ثقة«. با تمام رویکردهایی که به کار شیخ نسبت به ثقة بودن یا ثقة نبودن روایاتش وجود دارد، می توان گفت که نسبت به احادیث مرسلی که صدوق آورده است، می توان دو نوع برخورد داشت؛ یا باید به مسند بودن این احادیث مطمئن شویم و نسبت به صدور آنها مطمئن شویم، مگر مواردی را که خود مولف تصریح می کند که شاذ یا منفرد است یا معارض دارد. برخورد دوم این است که محتوای روایات را به گونه ای بیابیم که مطمئن به عدم صدور آنها بشویم.

این استاد محقق در پایان اظهار کرد: لذا ما مرسلات صدوق را حجت می دانیم، هرچند باید بگوئیم که مرحوم شیخ صدوق برخی از روایات را در «من لایحضره الفقیه« می آورد که این روایات بسیار محدود هستند که در جمع این 6000 حدیثی را که ذکر می کند، چند مورد روایاتی است که به ظاهر پذیرفتنی نیستند و ما آنها را شاذ می دانیم، مانند روایاتی که در جواز وضو با گلاب نقل می کنند که این روایات اصلاً از سوی عموم فقها پذیرفته شده نیست.